اشتباه غرب درباره مصون‌سازی

در دفاع از بی‌طرف‌ها

سجاد عطازاده
مترجم

ماتیاس اسپکتور، استاد روابط بین‌الملل در موسسه آموزش عالی Fundação Getulio Vargas برزیل، در مقاله‌ای با عنوان «دفاع از بی‌طرف‌ها، اشتباه غرب درباره مصون‌سازی» که در نسخه می/ژوئن نشریه فارن افرز منتشر شده است، با اشاره به امتناع کشورهای جنوب جهانی از حمایت از غرب در نبرد روسیه و اوکراین، ریشه این وضعیت را در بدبینی و تجربیات تلخ کشورهای بزرگ درحال توسعه از هژمونی غرب می‌داند و معتقد است که این کشورها برای نیل به اهداف خود تمایل بسیاری به چندقطبی شدن جهان دارند. در ادامه ترجمه این مقاله را می‌خوانید.

همزمان با امتناع کشورهای جنوب جهانی از جانبداری در جنگ اوکراین، بسیاری در غرب در تلاش برای درک دلیل این اتفاق هستند. برخی گمانه‌زنی می‌کنند که این کشورها به دلیل منافع اقتصادی، بی‌طرفی را انتخاب کرده‌اند. برخی دیگر همسویی ایدئولوژیک با مسکو و پکن را در پس عدم تمایل آنها به موضع‌گیری می‌بینند. عده‌ای هم حتی به فقدان اخلاقیات در میان این کشورها اشاره دارند. اما رفتار کشورهای بزرگ درحال توسعه را می‌توان با گزاره‌ای بسیار ساده‌تر توضیح داد: تمایل به جلوگیری از پایمال شدن در نزاع بین چین، روسیه و ایالات‌متحده. در سرتاسر جهان، از هند تا اندونزی، برزیل تا ترکیه و نیجریه تا آفریقای جنوبی، کشورهای درحال توسعه به‌طور فزاینده‌ای به دنبال اجتناب از درگیری‌های پرهزینه با قدرت‌های بزرگ هستند و سعی می‌کنند همه گزینه‌های خود را برای نیل به حداکثر انعطاف‌پذیری در دسترس نگه‌دارند. این کشورها راهبرد مصون‌سازی را دنبال می‌کنند؛ زیرا توزیع آینده قدرت جهانی را نامشخص می‌دانند و می‌خواهند از تعهداتی که انجام آنها سخت می‌باشد، اجتناب کنند. کشورهای درحال توسعه که دارای منابع محدود تاثیرگذاری بر سیاست جهانی هستند، خواستار آن هستند تا به‌سرعت سیاست‌های خارجی خود را با شرایط غیرقابل پیش‌بینی تطبیق دهند.

در زمینه جنگ در اوکراین هم این کشورهای مصون‌ساز معتقد هستند که چشم‌پوشی از قدرت روسیه هنوز بسیار زود است. روسیه ممکن است با حمله به همسایه خود اشتباهی مرتکب شده باشد که افول بلندمدت آن را تسریع کند، اما این کشور در آینده قابل پیش‌بینی یک نیروی اصلی و بازیگر ضروری در مذاکرات پایان جنگ باقی خواهد ماند. اکثر کشورهای جنوب جهانی نیز شکست کامل روسیه را نامطلوب می‌دانند و معتقدند که یک روسیه شکست‌خورده، سبب ایجاد خلأ قدرت شده و دامنه بی‌ثباتی تا کشورهایی فراتر از اروپا خواهد رفت.

کشورهای غربی به‌سرعت این منطق بی‌طرفی را رد کرده و آن را دفاع ضمنی از روسیه یا بهانه‌ای برای عادی‌سازی تجاوز می‌دانند. در واشنگتن و پایتخت‌های مختلف اروپایی، واکنش جنوب جهانی به جنگ در اوکراین در قالب دشوار نمودن بیشتر مساله‌ای پیچیده دیده می‌شود. اما احساس ناامیدی درباره این کشورهای مصون‌ساز درست نیست زیرا غرب فرصت ایجاد شده براثر سرخوردگی فزاینده کشورهای درحال توسعه از سیاست‌های پکن و مسکو را نادیده می‌گیرد. تا زمانی که این کشورها احساس کنند که باید دست به مصون‌سازی بزنند، غرب فرصت خواهد داشت تا آنها را به طرف خود جذب کند. اما برای بهبود روابط با کشورهای درحال توسعه و مدیریت نظم جهانی در حال تحول، غرب باید نگرانی‌های جنوب جهانی - درباره تغییرات آب و هوایی، تجارت و بسیاری موارد دیگر - را جدی بگیرد.

مصون‌سازی راهبرد جدیدی نیست. قدرت‌های ثانویه مدت‌هاست که از این راهبرد برای مدیریت ریسک استفاده می‌کنند. اما در سال‌های اخیر، تعداد فزاینده‌ای از دولت‌های بانفوذ و پسااستعماری این رویکرد را پذیرفته‌اند. مثلا نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند روابط دیپلماتیک و تجاری قوی با چین، روسیه و ایالات‌متحده به‌طور همزمان ایجاد کرده است. برای مودی، مصون‌سازی به‌عنوان یک بیمه‌نامه عمل می‌کند. در صورت بروز درگیری بین قدرت‌های بزرگ، هند می‌تواند با همسویی با قدرتمندترین طرف یا پیوستن به ائتلافی از دولت‌های ضعیف‌تر برای ایجاد بازدارندگی در برابر قوی‌ترین دولت منتفع شود.

مصون‌سازی به‌عنوان یک راهبرد برای مدیریت دنیای چندقطبی، مستلزم باز نگه داشتن کانال‌های ارتباطی با همه بازیگران است. اما گفتن این کار آسان‌تر از انجام آن است. مثلا در زمان ریاست‌جمهوری لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا، برزیل تهاجم غیرقانونی روسیه به اوکراین را محکوم کرده است، اما درعین‌حال درخواست اروپا برای ارسال تجهیزات نظامی به کی‌یف را رد نموده است. لولا معتقد است که امتناع از انتقاد از مسکو، مسیر گفت‌وگو با جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا را مختل خواهد کرد و فروش سلاح به ائتلاف غربی نیز توانایی او را برای گفت‌وگو با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، تضعیف خواهد نمود. درنتیجه، مقامات برزیلی بدون انجام کاری که ممکن است باعث واکنش شدید واشنگتن یا مسکو شود، خواستار پایان دادن به درگیری‌ها شده‌اند.

ادامه راهبرد مصون‌سازی در طول زمان ممکن است دشوار باشد؛ توانایی دولت‌ها برای انجام این کار اغلب به سیاست داخلی آنها بستگی دارد. حوزه‌های سیاسی می‌توانند راهبرد مصون‌سازی را زمانی که منافع اقتصادی آنها درخطر است، به خطر بیندازند. برای مثال، در سال ۲۰۱۹، ژایر بولسونارو، سلف لولا، با جلب حمایت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات‌متحده، تلاش کرد تا وابستگی فزاینده برزیل به چین را متعادل کند. در پاسخ، فراکسیون قدرتمند کشاورزی در کنگره برزیل، مانع بولسونارو شدند زیرا بیم آن را داشتند که اگر رئیس‌جمهور بر چرخش خود از چین به آمریکا ادامه دهد، کشاورزان برزیلی دسترسی به بازار چین را از دست خواهند داد. مصون‌سازی همچنین به اجبار منجر به ناامید شدن متحدان در مواقع به خطر افتادن منافع ملی می‌گردد. مثلا رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه علنا حمایت خود را از تمامیت ارضی اوکراین تایید کرده و کمک‌های بشردوستانه به کی‌یف ارسال نموده است. اما دولت او باوجود اینکه ترکیه یکی از اعضای ناتو و دارای روابط قوی و ارزشمند با ایالات‌متحده و اتحادیه اروپا است، از ورود به درگیری مسکو و کی‌یف اجتناب کرده است؛ زیرا اردوغان اذعان دارد که ترکیه نمی‌تواند روسیه را از خود دور کند زیرا مسکو در مناطق مورد علاقه آنکارا از جمله قفقاز، قره‌باغ کوهستانی و سوریه نفوذ دارد. کشورهایی که دست به مصون‌سازی می‌زنند، نسبت به وابستگی متقابل اقتصادی محتاط هستند زیرا این وضعیت حاکمیت آنها را تضعیف می‌کند. درنتیجه، آنها به دنبال تقویت بازارهای داخلی و خوداتکایی ملی، ترویج صنعتی شدن و ایجاد بخش‌های حیاتی مانند حمل‌ونقل، انرژی و دفاع هستند. این همان رویکردی است که بزرگ‌ترین اقتصاد آسیای جنوب شرقی اتخاذ کرده است. اندونزی در دوران ریاست‌جمهوری جوکو ویدودو از سرمایه‌گذاری چینی و غربی برای معکوس کردن دو دهه صنعت‌زدایی استفاده کرده است. ازآنجایی که طرفداری در جنگ در اوکراین می‌تواند این طرح‌ها را به خطر بیندازد، او با دقت به دنبال بی‌طرفی در این جنگ است. در سال ۲۰۲۲، ویدودو یکی از معدود رهبران جهان بود که با بایدن، پوتین، شی جین پینگ و ولادیمیر زلنسکی ملاقات کرد. ازآنجایی که این کشورها برای آزادی عمل ارزش قائل هستند، ممکن است برای نیل به اهدافی خاص در عرصه سیاست خارجی شراکت‌هایی را ایجاد کنند، اما بعید است که دست به ایجاد اتحادهای عمومی بزنند. این موضوع کشورهای مصون‌ساز امروزی را از کشورهای غیرمتعهد در طول جنگ سرد متمایز می‌کند. در میان رقابت دوقطبی آن دوران، کشورهای درحال توسعه غیرمتعهد حول یک هویت مشترک گرد آمدند تا عدالت اقتصادی بیشتر، برابری نژادی و پایان حکومت استعماری را مطالبه کنند. برای این منظور، آنها ائتلاف‌های پایداری را در نهادهای چندجانبه تشکیل دادند. در مقابل، مصون‌سازی امروزی به معنای مقاومت در برابر فشار برای انتخاب بین چین، روسیه و ایالات‌متحده و پاسخی به ظهور یک دنیای جدید و چندقطبی است.

همان‌طور که من می‌گویم انجام دهید، نه آن‌طور که من انجام می‌دهم

برای کشورهای جنوب جهانی، مصون‌سازی تنها راهی برای جلب امتیازات مادی نیست. این راهبرد از سوابق تاریخی این کشورها با قدرت‌های بزرگ و اعتقاد آنها به این اصل نشأت می‌گیرد که راهبرد علی‌الخصوص ایالات‌متحده در برخورد با کشورهای درحال توسعه ریاکارانه بوده است. مثلا واکنش‌های انجام شده در جنوب جهانی به سخنرانی کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور ایالات‌متحده در کنفرانس امنیتی مونیخ در ماه فوریه را در نظر بگیرید. هریس به مخاطبان رهبران غربی گفت که جنایات روسیه «حمله‌ای به انسانیت مشترک ما» است. او وحشت حاصل از جنگ و اخراج اجباری صدها هزار اوکراینی را که برخی از آنها از فرزندان خود جدا شده بودند، مورد اشاره قرار داد. هیچ ملتی در جهانی که در آن، کشوری با جاه‌طلبی‌های امپریالیستی می‌تواند بدون مانع پیش برود، امن نیست. هریس اعلام کرد که اوکراین باید به‌عنوان آزمونی برای «نظم مبتنی بر قوانین بین‌المللی» تلقی گردد.

رهبران سراسر جنوب جهانی می‌دانند که رفتار روسیه در اوکراین وحشیانه و غیرانسانی بوده است. با این حال، از نقطه‌نظر آنها، سخنرانی هریس موید ریاکاری غرب بود. همان‌طور که دیپلمات شیلیایی، خورخه هاینه خاطرنشان کرده است زمانی که واشنگتن به عربستان سعودی برای جنگ نیابتی علیه ایران در یمن تسلیحات می‌دهد و این امر منجر به کشتار غیرقانونی هزاران نفر، تخریب میراث فرهنگی غنی و آواره شدن میلیون‌ها نفر شده است، نمی‌تواند انتظار داشته باشد که کشورهای دیگر روسیه را به دلیل وحشیگری در اوکراین تحریم کنند. سطح بالای اخلاقی مستلزم سازگاری بین ارزش‌ها و کنش‌ها است.

به‌علاوه، برای اکثر کشورهای جنوب جهانی پذیرش ادعاهای غرب مبنی بر یک «نظم مبتنی بر قوانین»، آن هم در زمانی که ایالات‌متحده و متحدان آن مکرر قوانین را نقض می‌کنند - مثلا مرتکب جنایات جنگی، بدرفتاری با مهاجران و طفره رفتن از قوانین الزام‌آور بین‌المللی کاهش انتشار کربن و تضعیف چندین دهه تلاش چندجانبه برای ارتقای تجارت و کاهش حمایت‌گرایی می‌شوند - دشوار است. بنابراین درخواست‌های غرب از کشورهای درحال توسعه به‌عنوان کنشگری به‌عنوان «ذی‌نفعان مسئول» در بسیاری از مناطق جنوب جهانی پوچ و توخالی به نظر می‌رسد. جهان درحال توسعه همچنین قاب‌بندی رقابت واشنگتن با پکن و مسکو به‌عنوان نبرد بین دموکراسی و خودکامگی را ریاکارانه می‌بیند. از این گذشته، ایالات‌متحده همچنان به حمایت گزینشی از دولت‌های اقتدارگرا، زمانی که این عمل در خدمت منافع ایالات‌متحده باشد، ادامه می‌دهد. از ۵۰ کشوری که خانه آزادی، آنها را به‌عنوان «دیکتاتوری» طبقه‌بندی کرده است، ۳۵ کشور در سال ۲۰۲۱ از دولت ایالات‌متحده کمک نظامی دریافت کرده‌اند. بنابراین، جای تعجب نیست که بسیاری در جنوب جهانی، لفاظی‌های دموکراسی‌خواهانه غرب را ناشی از خودخواهی و نه تعهد واقعی به ارزش‌های لیبرال می‌دانند.

ریاکاری غربی به‌همان اندازه که برای کشورهای جنوب جهانی ناامیدکننده است، جنبه مثبتی هم دارد: این ریاکاری اهرمی را در اختیار کشورهای درحال توسعه قرار می‌دهد که می‌توانند با استفاده از آن تغییر ایجاد کنند. ازآنجا که ایالات‌متحده و متحدان اروپایی آن برای توجیه بسیاری از تصمیمات خود به اصول اخلاقی متوسل می‌شوند، طرف‌های ثالث می‌توانند علنا آنها را مورد انتقاد قرار دهند و درصورت اعمال گزینشی این اصول، درخواست جبران خسارت کنند. کشورهای درحال توسعه چنین اهرمی بر چین و روسیه ندارند، زیرا هیچ کدام از این کشورها ترجیحات سیاست خارجی خود را روی اصول اخلاقی جهانی قرار نمی‌دهند.

هرچه بیشتر، شادتر؟

بسیاری در غرب نظم جهانی چندقطبی را عامل ایجاد درگیری و بی‌ثباتی می‌دانند و ایالات‌متحده مسلط را ترجیح می‌دهند؛ همان وضعیتی که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شاهد آن بودیم. اما در میان کشورهای جنوب جهانی دیدگاه غالب این است که نظام چندقطبی می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای پایدار برای نظم بین‌المللی در قرن ۲۱ عمل کند. بخشی از این استدلال ریشه در حافظه اخیر تاریخی دارد. مردم کشورهای درحال توسعه هنگامه تک‌قطبی پس از جنگ سرد را به‌عنوان دوران خشونت‌آمیز وقوع جنگ در افغانستان، بالکان و عراق به یاد می‌آورند. تک‌قطبی همچنین با هجوم ناامیدکننده سرمایه جهانی به اروپای شرقی، آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی همزمان بود. همان‌طور که پژوهشگری به نام نونو مونتیرو هم هشدار داده است، زمانی که هژمونی ایالات‌متحده کنترل نشود، واشنگتن دمدمی‌مزاج می‌شود. مبارزه با دولت‌های سرکش را انتخاب می‌کند و اجازه می‌دهد درگیری‌های منطقه‌ای پیرامونی تشدید شود.

در جنوب جهانی خاطره بهتری از دوران دوقطبی هم وجود ندارد. از منظر بسیاری از کشورهای درحال توسعه، جنگ سرد تنها از این جهت سرد بود که به رویارویی خانمان‌سوز در کل جهان بین دو ابرقدرت هسته‌ای، تبدیل نشد. در خارج از اروپا و آمریکای شمالی، نیمه دوم قرن بیستم داغ بود و خشونت سیاسی در بین و درون بسیاری از کشورها گسترش یافت. ویژگی نظام دوقطبی رقابت پایدار در امتداد پرده آهنین نبود، بلکه مداخلات خونین ابرقدرت‌ها در حاشیه جهان بود. البته کشورهای مصون‌ساز به دلایلی فراتر از تاریخ نسبت به نظام چندقطبی خوشبین هستند. یکی از باورهای رایج این است که پراکندگی قدرت به کشورهای درحال توسعه فضای تنفس بیشتری می‌دهد؛ زیرا رقابت شدید امنیتی بین قدرت‌های بزرگ، تحمیل اراده دولت‌های قدرتمند بر دولت‌های ضعیف‌تر را دشوارتر می‌کند. دیدگاه رایج دیگر این است که رقابت بین قدرت‌های بزرگ باعث می‌شود که آنها به درخواست‌های دولت‌های کوچک‌تر برای اِعمال عدالت و برابری پاسخ دهند، زیرا دولت‌های قوی باید برای رقابت با رقبای خود، نظر جنوب جهانی را جلب کنند. دیدگاه سوم هم این است که قدرت پراکنده فرصت‌هایی را برای کشورهای کوچک باز می‌کند تا نظرات خود را در نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی ابراز کنند. هنگامی که این کار انجام شود، نهادهای جهانی شروع به انعکاس طیف وسیع‌تری از دیدگاه‌ها خواهند کرد و مشروعیت کلی نهادهای بین‌المللی افزایش خواهد یافت.

اما چنین خوشبینی درباره چشم‌انداز نظم چندقطبی ممکن است بی‌مورد باشد. رقابت امنیتی در نظام‌های چندقطبی ممکن است قدرت‌های بزرگ را به ایجاد سلسله‌مراتب سختگیرانه‌تری در اطراف خود سوق دهد و شانس کشورهای کوچک‌تر را برای بیان ترجیحات خود محدود نماید. مثلا ایالات‌متحده بسیاری از کشورها را به عقب راندن نفوذ چین وا داشته و آزادی عمل آنها را کاهش داده است. علاوه‌بر این، قدرت‌های بزرگ ممکن است برای سرکوب درخواست‌های کشورهای کوچک‌تر برای برقراری عدالت و برابری اقدام کنند؛ یعنی همان کاری که اتحاد مقدس بین اتریش، پروس و روسیه در قرن نوزدهم انجام داد و جنبش‌های مردمی ملی‌گرا و لیبرال را در سراسر اروپا سرکوب کرد. در گذشته قدرت‌های بزرگ با طرد و تحمیل اراده خود بر دیگران اقتدار خود را حفظ کرده‌اند. مثلا، فاتحان جنگ جهانی دوم، خود را به‌عنوان پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل منصوب کردند و قدرت خود را در نهادهای چندجانبه تثبیت نمودند. بدیهی است که کشورهای درحال توسعه در شرایط چندقطبی وضعیت بهتری نسبت به نظم‌های جهانی قبلی خواهند داشت.

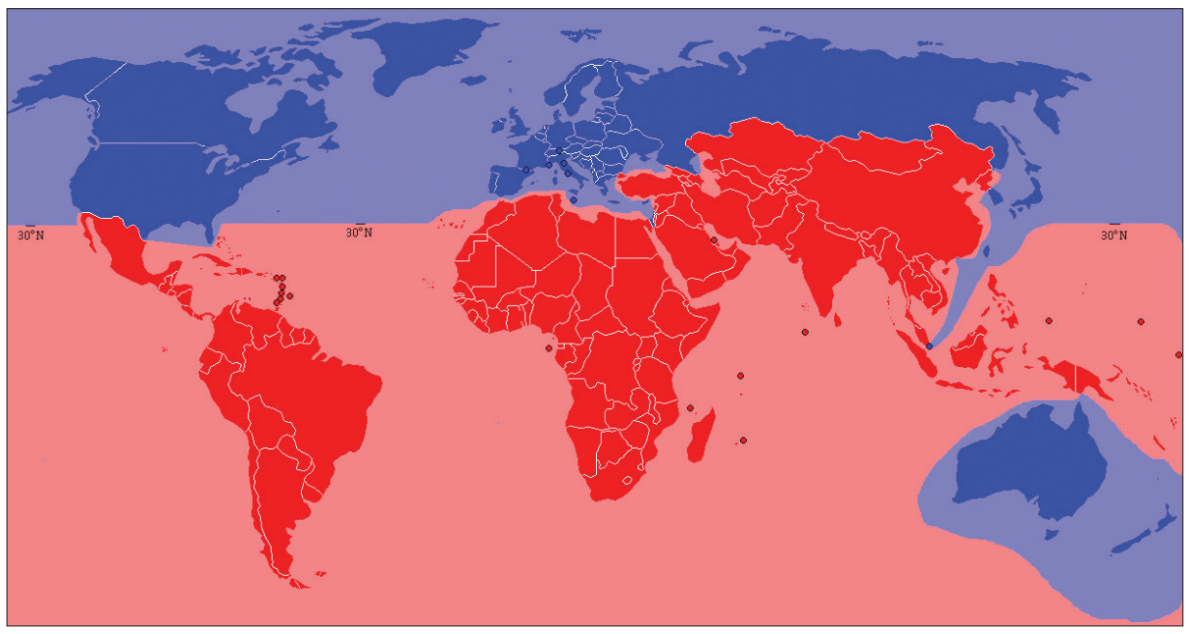

ظهور واسطه‌ها

رواج مصون‌سازی در میان کشورهای بزرگ جنوب جهانی، برای ایالات‌متحده هم یک چالش و هم یک فرصت به شمار می‌رود. جنبه چالشی آن این است که مصون‌سازی می‌تواند رقابت امنیتی بین پکن، مسکو و واشنگتن را تشدید کند؛ زیرا کشورهای درحال توسعه، قدرت‌های بزرگ را به رقابت با یکدیگر وا می‌دارند. درنتیجه، ایالات‌متحده ممکن است نیاز به ارائه امتیازات بیشتری نسبت به گذشته داشته باشد تا کشورهای درحال توسعه را متقاعد به همکاری و معامله نماید.

فرصتی که برای واشنگتن وجود دارد این است که بعید است این کشورها به‌طور دائم به پکن یا مسکو بپیوندند. علاوه‌بر این، در سراسر جنوب جهانی، مردم به‌طور فزاینده‌ای برای تعامل با غرب، آغوشی باز دارند. جمعیت اکثر کشورهای درحال توسعه جوان، پرانرژی و کم‌حوصله هستند و در تلاش برای ایجاد نظمی جهانی می‌باشند که بتوانند در آن پیشرفت کنند. در میان نخبگان فرهنگی و اقتصادی جنوب و جنبش‌های مردمی، صداهای تاثیرگذار بر انجام اصلاحات مترقی فشار می‌آورند؛ امری که می‌تواند پایه‌ای برای همکاری با غرب باشد.

برای به دست آوردن دوستان در دنیای چندقطبی، ایالات‌متحده باید نگرانی‌های جنوب جهانی را جدی‌تر بگیرد. اتخاذ موضعی تحقیرآمیز یا بدتر از آن، کنار گذاشتن کامل این کشورها از گفت‌وگو، ضرورتا به ایجاد دردسر خواهد انجامید. کشورهای بزرگ درحال توسعه نه‌تنها شرکای ضروری در مقابله با تغییرات آب و هوایی و جلوگیری از آشفتگی اقتصادی جهانی هستند، بلکه در مدیریت ظهور چین و استقرار مجدد قدرت روسیه نیز نقش مهمی دارند.

تعامل با این کشورها مستلزم فروتنی و همدلی از سوی سیاستگذاران ایالات‌متحده است؛ اما آنها به هیچ کدام از این دو مورد عادت ندارند. نکته مهم آن است که ایالات‌متحده باید به نارضایتی‌های جنوب جهانی از چین توجه زیادی داشته باشد. آمریکا باید به‌جای تحت فشار قرار دادن کشورها برای قطع روابط با پکن، بی‌سروصدا آنها را تشویق کند تا محدودیت‌های دوستی چین را برای خود آزمایش کنند. در این شرایط کشورهای درحال توسعه به‌طور فزاینده‌ای متوجه خواهند شد که چین می‌تواند به‌اندازه قدرت‌های پرسابقه غربی قلدر باشد. ایالات‌متحده همچنین باید این انتظار را که جنوب جهانی به‌طور خودکار از غرب پیروی خواهد کرد، کنار بگذارد. کشورهای درحال توسعه بزرگ و بانفوذ هرگز نمی‌توانند خودی واقعی در نظم بین‌المللی لیبرال به شمار روند. بنابراین، آنها به دنبال پیگیری منافع و ارزش‌های خود در نهادهای بین‌المللی و به چالش کشیدن درک غربی از مشروعیت و انصاف خواهند بود.

اما غرب و جنوب جهانی هنوز هم می‌توانند همکاری کنند. تاریخ راهنمای خوبی در این حوزه است. در بخش اعظم قرن بیستم، کشورهای پسااستعماری، غرب را در تعدادی از مسائل به چالش کشیدند و برای استعمارزدایی، برابری نژادی و عدالت اقتصادی تلاش می‌کردند. روابط دو طرف هم متشنج بود. با این حال، تعهد به دیپلماسی تضمین کرد که غرب و جهان درحال توسعه می‌توانند به‌طور مشترک از هنجارها و نهادهای بین‌المللی حاکم بر موضوعات مختلف مانند تجارت، حقوق بشر، کشتیرانی دریاها و محیط‌زیست بهره‌مند شوند. امروزه، غرب و جنوب جهانی نیازی به اجماع کامل ندارند، اما باید با یکدیگر همکاری کنند تا به نتایج سودمند متقابل برسند. یکی از زمینه‌های امیدوارکننده برای همکاری بین غرب و کشورهای مصون‌ساز، سازگاری با تغییرات آب و هوایی و کاهش این تغییرات است. ایالات‌متحده و کشورهای اتحادیه اروپا در داخل مرزهای خود به پیشرفت سریعی در این زمینه دست یافته‌اند و دریچه‌ای از فرصت را برای تعامل با کشورهای بزرگ درحال توسعه باز کرده‌اند. حوزه دیگری که برای مشارکت بین غرب و جنوب جهانی آماده است، تجارت بین‌المللی است. عرصه‌ای که در آن روابط متوازن‌تری امکان‌پذیر می‌باشد.

کشورهای جنوب جهانی آماده هستند تا با مصون‌سازی وارد میانه قرن ۲۱ شوند. آنها نه‌تنها برای به دست آوردن امتیازات مادی، بلکه برای ارتقای جایگاه خود از این راهبرد استفاده می‌کنند و چندقطبی بودن را به‌عنوان فرصتی برای ارتقای جایگاه خود در نظم بین‌المللی پذیرفته‌اند. ایالات‌متحده اگر خواستار آن است تا در بین قدرت‌های بزرگ در جهان چندقطبی همچنان اول باقی بماند، باید با شرایط خود با کشورهای جنوب جهانی روبه‌رو شود.

بسمه تعالی

روح‌الله الموسوی الخمینی

«محور همه اصول و قواعد کار امام بزرگوار ما در دو چیز خلاصه می شد: اسلام و مردم. اعتقاد به مردم را هم امام بزرگوار ما از اسلام گرفت. اسلام است که روی حق ملتها، اهمیت رأی ملتها و تأثیر جهاد و حضور آنها تأکید می کند؛ لذا امام بزرگوار محور کار را اسلام و مردم قرار داد؛ عظمت اسلام، عظمت مردم؛ اقتدار اسلام، اقتدار مردم؛ شکست ناپذیری اسلام، شکست ناپذیری مردم»
مقام معظم رهبری

خرداد و نیمه خرداد که رخ می نماید شمیم دل انگیز یاد و نام و اندیشه خمینی عزیز در هر کوی و برزن ایران می وزد و خاطره آن روزهای خدایی را در دلها زنده می کند.

از اینکه پس از چند سال دوری و مهجوری، اسباب گردهمایی دوباره میلیونی دلدادگان مکتب خمینی کبیر فراهم شده و ایران و جهان در نیمه خرداد امسال دگرباره شاهد شکوه نمایش حلقه های به هم پیوسته صدها هزار زائر، گرداگرد مضجع منور در حرم مطهرش خواهند بود، خدای متعال را سپاسگزاریم.

طنین صدای وحدت و تکبیر پیروان خمینی کبیر در روز ۱۴ خرداد و در حضور جانشین شایسته آن عارف واصل بالله همان اندازه که برای آحاد ملت بزرگ ایران خاطره انگیز و دلنشین و امید بخش است برای دشمنان ایران و اسلام ناامید کننده و ناخوش آیند است. نام خمینی و مکتب خمینی، الهام بخش ایمان و استقامت و رمز همبستگی ملت ایران است.

سلام و درود خدا بر ملت شریف و وفادار ایران باد که به حق آئین وفاداری را، نه فقط در زمان حضور خورشید فروزان انقلاب اسلامی، که سی و چند سال پس از رحلتش نیز به شایستگی تمام به جای آورده اند. میزان و مفسر جمهوریت و اسلامیت نظام، اندیشه و منش امام خمینی است و در اندیشه آن مرد الهی، مردم صاحبان انقلاب و کشور و صاحبان حق تعیین سرنوشت، و تکیه گاه اصلی نظامند. در مرام و اندیشه امام، مردم ولی نعمت مسئولان و حاکمانند. حکمرانی مطلوب در نگاه و باور امام خمینی (سلام الله علیه) که بر گرفته از آموزه های پیشوای عدالت پیشه گان و امیر مومنان حضرت علی بن ابی طالب (صلوات الله و سلامه علیه) و به تاسی از حضرت ثامن الحجج امام علی بن موسی الرضا(ع) می باشد، صرفا خدمتگذاری خالصانه و بی منت به مردم است برای تأمین بستر سعادت دنیا و آخرت آنان، بدون هیچگونه تبعیضی.

گفتمان آزادیخواهانه، عدالت محور و معنویت گرایانه امام خمینی منحصر به یک عصر و نسل و منطقه نیست. امروز صدای انقلاب اسلامی ایران به عنوان گفتمان پیشگام مقاومت دربرابر زورگویی باج خواهان مستکبر جهانی در همه جای عالم بخوبی شناخته شده است و روز به روز اعتراف قدرتهای بزرگ جهان به شکست ناپذیری ملت و نظام ایران رساتر و علنی تر به گوش می رسد.

این صلابت و اقتدار روز افزون را مدیون هدایتهای راهبر کبیر انقلاب اسلامی و پیمودن این راه نورانی توسط خلف شایسته او هستیم.

مراسم بزرگداشت حضرت امام خمینی (س) در روز ۱۴ خرداد در حرم مطهر آن امام راحل، میعادگاه همه کسانی است که بیعتنامه سالانه خویش را با شرکت در این مراسم عظیم و معنوی در محضر روح خدا و در جوار آرامگاه شهیدان و در محضر رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی تجدید امضا می کنند. طبعا و به رسم همه ساله صدها هزار نفر از پیروان امام عظیم الشأن در اقصی نقاط ایران و بسیاری از کشورهای دیگر نیز که امکان حضور در مراسم حرم مطهر را ندارند با شرکت گسترده خویش در برنامه هایی که از سوی ستادهای استانی و یا از سوی علاقمندان به حضرت امام در خارج کشور اعلام می گردد، بر شکوه این مراسم ملی و بلکه جهانی می افزایند.

ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی (س) ضمن اعلام آمادگی برای خدمتگذاری به زائران عزیز، برنامه های مراسم بزرگداشت را به شرح زیر به اطلاع عموم می رساند:

۱۳ خرداد ۱۴۰۲ مقارن با شب ارتحال امام عظیم الشأن، ساعت ۲۰:۳۰، در حرم مطهر امام خمینی، سخنرانی ریاست محترم جمهوری حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سید ابراهیم رئیسی.

روز ۱۴ خرداد ۱۴۰۲، شروع مراسم ساعت ۸ صبح در حرم مطهر امام خمینی، تلاوت قرآن مجید، مدیحه سرایی مداحان اهل بیت (ع)، خیر مقدم و سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی، یادگار گرامی حضرت امام و سپس همه شیفتگان و زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی به سخنان مهم رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله) گوش جان می‌سپارند.

ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی (س)

شماره شناسه: ۱۵۰۴۶۹۶ شماره م‌الف: ۸۴۹